

ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه

جمال بحری ثالث^۱

یعقوب بهنمون^۲

ابراهیم مددی‌زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۲

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت، دانش مالی هیأت مدیره، تعداد جلسات هیأت مدیره) و استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بر این اساس اطلاعات مورد نیاز تحقیق از ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس در طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۰ استخراج و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش جهت آزمون فرضیات از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به روش حداقل مربعات استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین برخی از ویژگیهای هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین برخی دیگر رابطه معناداری وجود ندارد. به طوری که ویژگیهای هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره و دانش هیأت مدیره) رابطه معناداری با استراتژی مالیاتی جسورانه دارند. همچنین بین ویژگیهای هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره و تعداد جلسات هیأت مدیره) و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد. و در آخر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین متغیرهای کنترلی (اهرم مالی) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیر کنترلی (اندازه شرکت) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های هیأت مدیره، نرخ موثر مالیاتی، استراتژی مالیاتی جسورانه.

۱- دکترای حسابداری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه - (نویسنده مسئول) bhrysls@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجانغربی

۳- کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات کرمان

۱- مقدمه

مهمی از درآمد دولت برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و هدایت مطرح گردید. دولت‌ها با ایجاد قوانین مالیاتی برای گرفتن مالیات و جمع‌آوری و هدایت آن در جهت سرمایه‌گذاری زیربنایی در واقع نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند که مکمل فعالیت‌های بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری می‌باشد. مالیات در یک نگاه ابزاری در خدمت درآمد دولت است. اما در نگاهی دقیق‌تر، سیاست‌های مالیات را نشان می‌دهد که ابزار موثر و کارآمد در توسعه مسیر اقتصادی و ایجاد سمت و سوی پویا و مولد برای اقتصاد کشور است. سیاست‌های مالیات بر رفتار عاملان اقتصاد، بخصوص شرکت‌ها تأثیر دارند. تصمیمات مربوط به فعالیت‌های عملیاتی شرکت ممکن است در نتیجه تغییر قوانین و مقررات مالیات تأثیر گذارد. با این حال، از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای ذینفعان است. از آنجا که مردم نسبت به پرداخت مقدار زیادی از مالیات به مقامات مالیاتی تردید دارند، آنها استراتژی‌های مالیاتی را برای به حداقل رساندن، رفع و یا به تعویق انداختن بدهی مالیاتی به کار می‌گیرند. با توجه به مسئله نمایندگی که بین مدیریت به عنوان نماینده و سهامداران به عنوان مالک وجود داشته است، انتظار می‌رود که این دو مکانیسم (مدیر و مالک) به عنوان اهرم فشار برای مدیریت برنامه‌ریزی مالیاتی عمل نمایند، بنابراین موجب دستیابی به منافع سهامداران یعنی مالیات کمتر و بازده بالاتر پس از کسر مالیات می‌گردد. همچنین با تنظیم مقررات قوی‌تر در ارتباط با حاکمیت شرکتی و فعالیت سهامداران فعال که نقش محافظت منافع سهامداران را برعهده دارند، سهامداران انتظار بیشتری از نقش حاکمیت شرکتی به عنوان یک راه حل برای مسئله نمایندگی، به خصوص در امور مالیاتی دارند.

برای سالیان متمادی در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند؛ اما در سی سال گذشته، اقتصاددانان موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این‌گونه تضادها را مطرح کرده‌اند. به‌طور کلی این موارد، تحت عنوان «حاکمیت شرکتی» در حسابداری بیان می‌شود. حاکمیت شرکتی، قوانین و مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود. تأکید مبانی اولیه حاکمیت شرکتی، بیشتر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران قرار داشت و بعدها با طرح دیدگاه‌های جدیدتر، به سمت توجه جدی به حقوق کلیه ذینفعان و اجتماع گرایش یافت. فروپاشی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و ورلدکام در آمریکا توجه همگان را به نقش برجسته حاکمیت شرکتی و توجه جدی به اصول نام‌برده در مورد پیشگیری از وقوع چنین فروپاشی‌هایی جلب کرده است (عباس‌زاده و منظرزاده، ۱۳۹۰). در جهان امروز، اکثر مردم، از مالیات ترس دارند. از دیدگاه دولت، مالیات یکی از موضوعاتی است که برای دولت با اهمیت است، چون درآمد مالیاتی یکی از درآمدهایی است که بیشتر هزینه‌های عمومی را پوشش می‌دهد. مالیات یکی از مهمترین منابع دولت به شمار می‌رود که از اعصار گذشته تا به حال با توجه به تحول وظایف دولتها اهمیت روز افزونی داشته است. تا زمانی که وظایف دولت محدود به تامین امنیت و حفاظت از محدوده جغرافیایی بود، به تبع هزینه‌های آن در سطح پایین قرار داشته اما با گذشت زمان و تحولات بوجود آمده در زمینه‌های مختلف اقتصادی، نقش دولت پررنگتر و وظایف آن بیشتر شد، مالیات به عنوان منبع

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

های تحقیقات قبلی، هنوز درک کاملی از اینکه کدام عوامل مربوط به حاکمیت شرکتی در اجتناب از مالیات موثر است وجود ندارد.

حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن هدف‌های شرکت تنظیم و وسایل دستیابی به هدف‌ها و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. این نظام انگیزه لازم برای تحقق اهداف شرکت را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت مؤثر را فراهم می‌نماید به این ترتیب شرکت‌ها منابع را با اثر بخشی بیشتری بکار می‌گیرند.

هیأت مدیره به عنوان بخش عمده‌ای از حاکمیت شرکتی، مهمترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شود. هیأت مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم‌گیری، نیازمند مهارت‌های متنوع از قبیل حسابداری، بانکداری، قانون و همچنین ویژگی‌های خاصی از قبیل استقلال، اندازه و غیره می‌باشد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

شواهد تجربی نشان می‌دهد که هیچ‌گونه اتفاق نظری در مورد اندازه بهینه هیأت مدیره وجود ندارد. گودستین و همکاران (۱۹۹۴) دریافته‌اند که هیأت مدیره‌های کوچکتر بین ۴ الی ۶ عضو می‌توانند موثرتر باشند، زیرا به واسطه کوچک بودن، قادرند تصمیمات راهبردی به موقع‌تری اتخاذ نمایند. تعداد اعضای هیأت مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیأت مدیره‌های بزرگتر از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیأت مدیره‌ها، توافق و اجماع در مورد یک موضوع خاص بسیار دشوار است (گرین، ۲۰۰۵). از طرف دیگر عده‌ای بر این عقیده‌اند که اندازه هیأت مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا در بر دارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد (گیپمن، ۲۰۰۶). در نتیجه

تحقیقات مربوط استراتژی مالیاتی جسورانه^۱ و برنامه‌ریزی مالیاتی^۲ به تدریج در حال رشد بوده است، چون همواره جنبه‌های جدیدی با توجه به چند رشته‌ای بودن این موضوع اضافه می‌شود. این جنبه‌ها را می‌توان به سه جریان عمده با توجه به ادبیات آن طبقه‌بندی کرد. اولین زمینه تحقیق، تمرکز بر بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و ویژگی‌های شرکت می‌باشد. تحقیقات متعددی به بررسی ویژگی‌های مناسب برای برنامه‌ریزی مالیاتی از قبیل اندازه، سوددهی، اهرم و میزان سرمایه پرداخته‌اند (استیکی و مک‌گی^۳ ۱۹۸۲، زیمرمن^۴ ۱۹۸۳، پورکانو^۵ ۱۹۸۶، شلوین^۶ ۱۹۹۰، رگو^۷ ۲۰۰۳). همچنین تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که عملیات گسترده خارجی داشته و نیز هزینه‌های تحقیق و توسعه و اهرم مالی کمتر داشته‌اند، نرخ مؤثر مالیاتی کمتری داشته‌اند (گراهام و تاکر^۸ ۲۰۰۶، ویلسون^۹ ۲۰۰۹، لیسووسکی^{۱۰} ۲۰۱۰).

بر اساس مبانی نظری، اخیراً، دیرنگ و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۰) و خوالا و محمد علی^{۱۲} (۲۰۱۲) در زمینه دوم تحقیقات یعنی بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر برنامه‌ریزی مالیاتی تمرکز کردند. از طرفی زمزم و فتوحی^{۱۳} (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه پرداختند. سومین زمینه پژوهش به بررسی حاکمیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی و نیز استراتژی مالیاتی جسورانه می‌پردازد. پژوهشگران در تحقیقاتی تعامل بین حاکمیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی را در طول دهه‌های اخیر مورد بحث قرار داده‌اند (سابلی و نور، ۲۰۱۲). رسوایی‌های مالی و مالیاتی بی‌در پی در اروپا و ایالات متحده آمریکا، علاقه به تحقیق در مورد بازبینی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر برنامه‌ریزی مالیاتی را زنده کرده است. با وجود یافته-

تسویی و همکاران (۲۰۰۱) همچنین موید این موضوع است که شرکت‌های با هیأت مدیره‌های مستقل مکانیزم نظارتی موثرتری فراهم می‌آورند. در نتیجه از هیأت مدیره‌های مستقل انتظار می‌رود که بر استراتژی‌های راهبردی شرکت، به ویژه برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه مالیات، نظارت مستقیم داشته باشند.

یکی دیگر از ویژگی‌های هیأت مدیره که می‌تواند بر استراتژی مالیاتی موثر باشد، جلسات هیأت مدیره می‌باشد. اگر هیأت مدیره بتواند حد معقولی را در برگزاری جلسات هیأت مدیره تعیین کند، بسته به محیط و شرایط شرکت، می‌تواند منافع اقتصادی را با توجه به تئوری نمایندگی در آینده کسب نماید. در تحقیقی که آدامز و فریرا (۲۰۰۴) انجام دادند به این نتیجه رسیدند، هنگامی که هیأت مدیره جلسات بیشتری برگزار می‌کند، ارزش شرکت افزایش می‌یابد. همچنین وافیاس در تحقیق خود در سال ۱۹۹۹ به این نتیجه رسید که افزایش تعداد جلسات هیأت مدیره پس از عملکرد ضعیف شرکت، باعث می‌گردد برگشت از عملکرد بد سریع اتفاق افتد.

از دیگر مولفه‌های تأثیرگذار بر استراتژی مالیاتی جسورانه دانش هیأت مدیره می‌باشد. نتایج تحقیق اریکسون و همکاران (۲۰۰۵) حاکی از آن است که هیأت مدیره دارای دانش مالی و حسابداری، نظارت کاراتری بر مدیریت شرکت دارد و باعث افزایش ارزش شرکت، براساس شاخص Q توین می‌شود. از طرفی می‌توان گفت دانش ضعیف هیأت مدیره می‌تواند باعث شود زیانهای زیادی به شرکت وارد گردد. در تحقیقی کاپلن و میتون (۱۹۹۴) به این نتیجه رسیدند که زمانی که شرکت‌ها عملکرد ضعیفی دارند، در ترکیب هیأت مدیره خود از مدیران مالی استفاده می‌نمایند. لذا انتظار می‌رود رابطه بین دانش هیأت مدیره و برنامه‌های استراتژی مالیاتی جسورانه شرکت معنادار باشد.

نمی‌توان حالت بهینه‌ای را برای اندازه هیأت مدیره در نظر گرفت. اما آنچه که مشخص است این است که هیأت مدیره باید اندازه معقول داشته باشد. بیسلی (۱۹۹۶) بیان می‌کند که امکان تقلب حسابداری با اندازه هیأت مدیره افزایش می‌یابد. یرماک (۱۹۹۶) به طور مشابه نشان داد که هیأت مدیره کوچک موثرتر از هیأت مدیره بزرگ است. این منطقی است که فرض کنیم که در یک هیأت مدیره بزرگتر امکان استراتژی مالیاتی جسورانه شرکت افزایش یابد.

اثر بخشی تفکیک تصمیم‌گیری توسط مدیریت و کنترل توسط هیأت مدیره از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیران غیر موظف به دلیل منافعشان حاضر به تبانی با مدیران اجرایی نمی‌باشند. از آنجا که مدیران غیر موظف اکثراً در سایر شرکت‌ها دارای سمت‌های اجرایی مدیریت با تصمیم‌گیری می‌باشند انگیزه بالایی برای کسب شهرت به عنوان تخصص امر تصمیم‌گیری و برخورداری از فرصت‌های شغلی بهتر در آینده دارند. عدم همسویی انگیزه مدیران برای استفاده از ثروت مدیران غیر موظف برای کسب شهرت باعث بهبود نظارت بر مدیریت شرکت شده و کاهش هزینه‌های نمایندگی را در پی خواهد داشت (فاما، جنسن، ۱۹۸۳).

لاولر و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که استقلال هیأت مدیره عامل مهمی در افزایش نقش نظارتی هیأت مدیره است. در چهارچوب تئوری نمایندگی، اعضای بیرونی انگیزه اجتناب از تبانی با مدیران را دارند زیرا ارزش سرمایه انسانی اعضای غیرموظف تا حدودی به وسیله موثر بودن نقش نظارتی آنها تعیین می‌شود (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). اگر آنها به طور کافی مدیران را نظارت نکنند، ارزش سرمایه انسانی آنها به عنوان اعضای بیرونی کم خواهد شد. بنابراین، اعضای بیرونی ممکن است از منافع سهامداران به طور موثرتری حفاظت کنند. نتایج

رسیدن به این امر اقداماتی از قبیل برنامه‌ریزی مالیاتی انجام می‌دهند تا مالیات کمتری بپردازند و عوامل متعددی در این امر دخیل است.

سارتوری^۵ (۲۰۰۹)، در تحقیقی نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

سابلی و نور^۶ (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و حاکمیت شرکتی در کشور مالزی پرداختند. آنها نمونه‌ای شامل ۳۷۱ شرکت را برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (داخلی و خارجی) بر برنامه ریزی مالیاتی تأثیری ندارند. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکت‌های نمونه بیشتر متکی به مشاوران مالیاتی حرفه‌ای هستند.

خوالا و محمد علی^۷ (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره به عنوان مکانیزم حاکمیت شرکتی و برنامه ریزی مالیاتی در بورس کشور تونس پرداختند. آنها در این تحقیق از نرخ موثر مالیاتی به عنوان پروکسی برای برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده کردند. این پژوهشگران نمونه‌ای شامل ۳۲ شرکت را برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن بود که جدایی نقش مدیرعامل از رییس هیأت مدیره و ترکیب جنسیتی تأثیر معناداری بر برنامه‌ریزی مالیاتی دارد. و رابطه جدایی نقش مدیرعامل از رییس هیأت مدیره با برنامه ریزی مالیاتی یک رابطه منفی و نیز

بسیاری از محققان ارتباط بین حاکمیت شرکتی و استراتژی مالیاتی جسورانه را مورد مطالعه قرار دادند. خورانا و ویلیام^۸ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که شرکت‌هایی که در سطوح بالاتری از مالکیت نهادی قرار دارند، کمتر استراتژی جسورانه مالیاتی را می‌پذیرند زیرا مالکان شرکتها نگران عواقب استراتژی مالیاتی جسورانه در بلند مدت می‌باشند. پیداست که قیمت سهام شرکت‌ها زمانی کاهش می‌یابد که اخباری از مشارکت در پناهگاه مالیاتی وجود دارد، اما این واکنش نسبت به دیگر واکنش‌های شرکت‌های بزرگ، کوچک است.

چنانچه مدیر بتواند نرخ موثر مالیاتی را در بلندمدت کاهش داده و مالیاتی کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچند این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت، زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین، کاهش جریانهای نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد. همچنین، نرخ موثر مالیاتی شرکتها، اغلب توسط سیاستگذاران و گروههای ذینفع به عنوان ابزاری برای نتیجه‌گیری پیرامون سیستمهای مالیاتی شرکت‌های مختلف استفاده می‌شود، زیرا نرخ مزبور اطلاعات مناسب و خلاصه از اثرات تجمعی معافیتهای مالیاتی مختلف و تغییرات در نرخهای مالیاتی شرکتها را فراهم می‌آورد (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲).

مالیات مهم ترین منبع درآمد برای همه دولت‌ها است. اگر مالیات دریافتی توسط دولت به نسبت بسیار بالایی برسد، توانایی دولت برای ارائه خدمات مناسب، بسیار زیاد خواهد بود و در غیر اینصورت ارائه خدمات توسط دولت با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین، افزایش درآمد مالیاتی از اهداف مشترک همه دولت‌ها است. از سوی دیگر شرکتها سعی دارند که با اتخاذ تدابیری، مالیات کمتری بپردازند و برای

نبودند، بود. همچنین در این تحقیق در هر دو گروه شرکتها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بود.

پورحیدری و سروسنایی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۹ پرداختند. در این تحقیق ویژگیهای خاص شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر مدیریت مالیات مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق معیار مورد استفاده جهت سنجش مدیریت مالیات، نرخ موثر مالیاتی بود. در این تحقیق فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های تحقیق آنها حاکی از است که از بین ویژگیهای خاص شرکت، اندازه شرکت به طور منفی نرخ موثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت با نرخ موثر مالیاتی رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد. با این وجود نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین فرصتهای رشد و عمر شرکت با نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که نوع صنعت تأثیری معنادار بر نرخ موثر مالیاتی دارد. افزون بر این، نتایج گواه آن است که مالکیت نهادی به طور منفی نرخ موثر مالیاتی شرکتها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مالکان نهادی نقشی جسورانه در مدیریت مالیات ایفا می‌کنند.

حساس یگانه و گل‌محمدی شورکی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگیهای شرکتها در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. جامعه آماری تحقیق، به روش حذفی (غربالگری) و متشکل از شرکتهایی است که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران

ترکیب جنسیتی یک رابطه مثبت را نشان می‌داد. همچنین نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که بین استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره با برنامه ریزی مالیاتی رابطه وجود ندارد.

زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگیهای هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکتهای فرانسه برای دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداختند. آنها در این تحقیق برای تحلیل نتایج از رگرسیون استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که اندازه و درصد حضور زنان در هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر دارد. همچنین نتایج تحقیق آنها حاکی از این بود که اندازه شرکت و بازده دارایی بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای دیگر، تاکنون در ایران پژوهش مشابهی انجام نشده است؛ البته باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) در تحقیقی مشابه رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات ارزیابی شد. نمونه پژوهش شامل پرونده‌های مالیاتی ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. در این تحقیق رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا بودند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا

۳- روش شناسی پژوهش

این تحقیق از حیث هدف تحقیق، از جمله تحقیقات کاربردی است. تحقیقات کاربردی تحقیقاتی هستند که نظرها، قانونمندیها، اصول و فنونی که در تحقیقات پایه تدوین می‌شوند را برای حل مسائل اجرایی و واقعی بکار می‌گیرد.

از لحاظ روش و ماهیت تحقیق حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است. در تحقیق همبستگی هدف اصلی آن است که مشخص شود آیا رابطه ای بین دو یا چند متغیر کمی (قابل سنجش) وجود دارد و اگر این رابطه وجود دارد اندازه واحد آن چقدر است؟ مطالعات همبستگی، تعدادی از متغیرهایی را تصور می‌رود با مسئله مرتبط هستند ارزیابی می‌کند.

در این تحقیق به منظور توان توضیح دهندگی یک متغیر نسبت به تعدادی دیگر از متغیرها بایستی رابطه و همبستگی بین آنها مورد بررسی قرار گیرد تا در صورت وجود همبستگی جهت و میزان تغییر در متغیری بواسطه تغییر در متغیرهای دیگر مشخص گردد. روش این پژوهش سنجش همبستگی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین جمع‌آوری شد. سپس داده‌های پژوهش، از طریق جمع‌آوری داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، گزارش سالیانه هیأت‌مدیره به مجمع، گزارش فعالیت شرکت، ماهنامه بورس اوراق بهادار و سایت کدال و با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین انجام می‌شود.

جامعه آماری متشکل از تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۹۰ می‌باشد. روش نمونه‌گیری حذف

بوده‌اند. هدف اصلی این مقاله، سنجش نرخ مؤثر مالیات در وهله اول و بررسی رابطه آن با صنعت مربوطه، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت به عنوان ویژگیهای شرکت در مرحله بعدی است. نتایج تحقیق آنها نشان داد که میانگین نرخ مؤثر مالیاتی با در نظر گرفتن تمام شرکت‌های تحقیق، به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک است. لیکن نتایج تحقیق با در نظر گرفتن صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند نشان داد که تقریباً هر صنعت دارای نرخ مؤثر مالیاتی مخصوص به خود است. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و با اهرم مالی، رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. در ضمن بین نرخ مؤثر مالیات و شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

منصوری (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد به بررسی رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و برنامه ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره مالی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ پرداخت. در این تحقیق از مدل رگرسیونی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که استقلال و دانش مالی و اندازه دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و نیز نفوذ دولت در هیأت مدیره بر برنامه ریزی مالیاتی تأثیر ندارد. همچنین نتایج حاکی از این است که سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی و معناداری با برنامه‌ریزی مالیاتی دارد. در این تحقیق نتایج نشان داده که بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی و اندازه شرکت با برنامه ریزی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد اما بین متغیرهای کنترلی میزان سرمایه‌گذاری و بازده دارایی با برنامه-ریزی مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد.

BLit: استقلال هیأت مدیره شرکت i در سال t
 BMEET it: دانش مالی هیأت مدیره شرکت i در
 سال t

BCOMPit: تعداد جلسات هیأت مدیره شرکت i در
 سال t

ROAit: اهرم مالی شرکت i در سال t

SIZE it: اندازه شرکت شرکت i در سال t

در این پژوهش متغیر وابسته استراتژی مالیاتی
 جسورانه و متغیرهای مستقل اندازه هیأت مدیره،
 استقلال هیأت مدیره، جدایی نقش مدیرعامل از
 رئیس هیأت مدیره و دانش مالی هیأت مدیره می-
 باشد. متغیرهای کنترلی پژوهش نیز اندازه شرکت و
 اهرم مالی شرکت می باشند.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:
متغیر وابسته:

متغیر وابسته این تحقیق سیاست مالیاتی جسورانه
 شرکت می باشد. در ادبیات حسابداری پیشین، چندین
 ابزار مانند نرخ مالیاتی موثر نقدی (هانلون و شولین،
 ۲۰۰۳)، ابزارهای تفاوت مالیاتی ابرازی (مانزون و
 پلسکو، ۲۰۰۲) و تفاوت مالیاتی باقی مانده (دسای و
 دارماپالا، ۲۰۰۶) برای اندازه گیری سیاست مالیاتی
 جسورانه استفاده شده است. در این پژوهش از نرخ
 موثر مالیات (ETR) به عنوان معیار سنجش استراتژی
 مالیاتی جسورانه استفاده می گردد که به شرح زیر
 تعریف می شود:

$$ERT = \frac{\text{Income tax expense}}{\text{pre-tax income}}$$

سود قبل از کسر مالیات / (مالیات سال جاری + مالیات معوق)
 = نرخ موثر مالیاتی

متغیرهای مستقل:

یکی از مهمترین ویژگی های هیأت مدیره که از
 دیر و باز مطرح است، اندازه هیأت مدیره می باشد.
 اندازه هیئت مدیره می تواند بر سطح مالیات تأثیر

سیستماتیک می باشد با اعمال شرایط زیر نمونه آماری
 مشخص گردید:

۱) شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و بیمه ها با
 توجه به ویژگی های خاص از جامعه آماری
 پژوهش حذف شده اند.

۲) دوره مالی شرکت باید منتهی به ماه اسفند باشند و
 در طی دوره ی پژوهش سال مالی خود را تغییر
 نداده باشند.

۳) وقفه ی معاملاتی بیش تر از ۳ ماه نباشد.

۴) با اعمال شرایط فوق تعداد ۷۱ شرکت به عنوان
 نمونه آماری مشخص گردیدند.

۴- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش، این پژوهش دارای ۴
 فرضیه به شرح زیر است:

۱) رابطه ی معنی دار بین اندازه هیأت مدیره (تعداد
 اعضای هیأت مدیره) و استراتژی مالیاتی
 جسورانه وجود دارد.

۲) رابطه ی معنی دار بین استقلال هیأت مدیره و
 استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد.

۳) رابطه ی معنی دار بین دانش مالی هیأت مدیره و
 استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد.

۴) رابطه ی معنی دار بین تعداد جلسات هیأت مدیره
 و استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد.

۵- مدل پژوهش و متغیرهای آن

در این پژوهش، مدل رگرسیونی زیر طبق
 پژوهش زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) برای آزمون فرضیه ها
 مورد استفاده قرار می گیرد:

$$\ln ERT_{it} = \beta_0 + \beta_1(\ln BS_{it}) + \beta_2(\ln BI_{it}) + \beta_3(\ln BMEET_{it}) + \beta_4(BCOMP_{it}) + \beta_5(\ln ROA_{it}) + \beta_6(\ln SIZE_{it}) + \epsilon_{it}$$

ERTit: نرخ موثر مالیاتی شرکت i در سال t

BSit: اندازه هیأت مدیره شرکت i در سال t

بسیاری اشته باشد، جلسات هیأت مدیره می باشد. مکانی که در آن هیأت مدیره و مدیران اطلاعات خود را در مورد ارزیابی نتایج تصمیمات گذشته، سیاست و برنامه های استراتژیک آینده مطرح می کنند و به اشتراک می گذارند، جلسات هیأت مدیره گفته می شود. برگزاری جلسات می تواند به برقراری ارتباط بهتر میان مدیران و اعضای هیأت مدیره کمک شایانی داشته باشد. اما باید توجه داشت که برگزاری بیش از حد جلسات هیأت مدیره هزینه هایی در برخواهد داشت که ممکن است باعث انحراف مدیران شرکت از مسئولیت های عملیاتی و روزمره خود گردد. بنا براین هیأت مدیره می بایست تعادلی میان هزینه - منفعت تعداد جلسات برقرار نماید. در پژوهش حاضر تعداد جلسات نیز به شرح زیر اندازه گیری می شود:

تعداد جلسات هیأت مدیره: تعداد جلسات برگزار شده از سوی هیات مدیره در هر یک از سنوات پژوهش.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت: در این پژوهش لگاریتم دارایی - های شرکت به عنوان پروکسی اندازه شرکت مورد استفاده قرار می گیرد.

اهرم مالی: نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها که در بیشتر پژوهش ها به کار می رود در این پژوهش نیز به عنوان ابزاری برای اندازه گیری اهرم مالی به کار می رود.

۶- یافته های پژوهش

جدول ۱ نتایج آمار توصیفی را ارئه می کند که با توجه به جدول مشاهده می گردد که میانگین اندازه هیأت مدیره ۵٫۱۷ و میانگین اعضای غیرموظف ۰٫۶۳ می باشد که بیانگر این نکته هستند که به طور متوسط ۶۳ درصد از اعضای هیأت مدیره در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را

بگذارد. جنسن (۱۹۹۳) استدلال می کند که زمانی که هیأت مدیره کوچک است عملکرد شرکت بهتر و کنترل آسان می شود، اما زمانی که هیأت مدیره بزرگ است، کمتر احتمال دارد به طور موثر عمل کند و به عنوان یک محدودیت برای مدیریت عمل کند، بنابراین، برای مدیر ارشد اجرایی کنترل سخت تر است. در پژوهش حاضر اندازه هیأت مدیره به شرح زیر اندازه گیری می شود:

اندازه هیأت مدیره:

تعداد اعضای هیأت مدیره از آنجایی که اعضای غیرموظف هیأت مدیره از طریق نظارت بر هیأت موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. لذا ترکیب هیأت مدیره می تواند بر عملکرد مالی شرکت ها تاثیر داشته باشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیأت مدیره را مدیران غیرموظف تشکیل دهند، هیأت مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. در این تحقیق استقلال هیأت مدیره به شرح زیر اندازه گیری می شود:

استقلال هیأت مدیره: نسبت اعضای غیر موظف در هیئت مدیره.

در این تحقیق آخرین ویژگی که مورد بحث قرار می گیرد دانش هیأت مدیره می باشد. هیأت مدیره نه تنها باید در بخش مدیریت بلکه بایستی در سایر رشته ها از قبیل اقتصاد، کامپیوتر، حسابداری، بانکداری، حقوق و غیره دانش کافی داشته باشد تا بتواند عملکرد بهتری در جهت برنامه های استراتژیک شرکت داشته باشد. در پژوهش حاضر دانش مالی به شرح زیر اندازه گیری می شود:

دانش مالی هیأت مدیره: در صورت حضور اعضای با مدرک دکترا و یا مدرک مالی در شرکت به آن متغیر مصنوعی ۱ و در غیر این صورت ۰ داده می - شود.

یکی دیگر از ویژگی های هیأت مدیره که می تواند بر برنامه های استراتژیک شرکت در آینده تاثیر

اعضای غیر موظف تشکیل می‌دهد و توازن بین اعضای موظف و غیرموظف برقرار نیست و بیشتر اعضای هیأت مدیره را اعضای غیرموظف تشکیل می‌دهد. حداکثر تعداد اعضای هیأت مدیره ۷ نفر و حداقل ۳ نفر است. همچنین با توجه به متغیر تعداد جلسات هیأت مدیره مشخص می‌گردد که سالانه

حداکثر تعداد ۴۸ جلسه و حداقل ۵ جلسه به طور سالانه توسط هیأت مدیره برگزار می‌گردد. در ضمن بررسی متغیر دانش مالی هیأت مدیره نیز نشان داد که به طور متوسط ۷۳ درصد از هیأت مدیره‌ها حداقل دارای یک عضو با مدرک دکترا و یا دارای مدرک مالی می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیرها	تعداد مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اندازه شرکت	۶۳۹	۲,۸۲	۶,۸۸	۵,۴۹	۰,۵۷
اهرم مالی	۶۳۹	۰,۱۲	۳,۶۴	۰,۷۲	۰,۴۲
اندازه هیأت مدیره	۶۳۹	۳	۷	۵,۱۷	۰,۵۴
استقلال هیأت مدیره	۶۳۹	۰	۱	۰,۶۳	۰,۱۸
دانش مالی هیأت مدیره	۶۳۹	۰	۱	۰,۷۳	۰,۴۳
تعداد جلسات هیأت مدیره	۶۳۹	۵	۴۸	۱۵	۶,۷۵
نرخ موثر مالیاتی	۶۳۹	۰	۰,۲۹	۰,۰۹	۰,۰۸۶

جدول ۲: مدل پژوهش و نتایج پژوهش

مدل پژوهش				
$LnERTit = \beta_0 + \beta_1(lnBSit) + \beta_2(lnBlit) + \beta_3(lnBMEETit) + \beta_4(BCOMPit) + \beta_5(lnROAit) + \beta_6(lnSIZEit) + \epsilon it$				
نتایج پژوهش				
نام متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	T	P value
ضریب ثابت (C)		۲,۲۸۳	-۱,۲۵۹	۰,۲۰۸
اندازه هیأت مدیره (BS)	۰,۰۰۱	۱,۱۱۶	۰,۰۲۱	۰,۹۸۳
استقلال هیأت مدیره (BI)	۰,۰۷۵	۰,۰۸۵	۱,۹۴۶	۰,۰۰۵
تعداد جلسات هیأت مدیره (BMEET)	۰,۰۱۷	۰,۰۷۸	۰,۴۴۵	۰,۶۵۷
دانش مالی هیأت مدیره (BCOMP)	-۰,۰۷۷	۰,۱۰۱	-۲,۰۱۸	۰,۰۴۴
اندازه شرکت (SIZE)	۰,۰۶۷	۰,۲۱۳	۱,۷۵۶	۰,۰۸۰
اهرم مالی شرکت (LEV)	۰,۲۶۲	۰,۰۸۱	۶,۷۶۲	۰,۰۰۰
ضریب تعیین شده	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	معناداری آماره F	آماره دوربین واتسون
۰,۰۸۴	۰,۰۷۶	۹,۷۰۰	۰,۰۰۰	۱,۶۸۳

تقویت کند، زیرا آنها می‌توانند دانش و سابقه خود در صنعت و نیز تجربه خود را به مدیران داخلی ارائه می‌کنند تا در رابطه با سیاست‌های مالیاتی به کار گیرند. با توجه به مثبت بودن ضریب استقلال هیأت مدیره، افزایش مدیران غیر موظف موجب استفاده بیشتر از تجربیات آنها با توجه به سابقه و دانش آنها و نیز استفاده از استراتژی مالیاتی جسورانه برای مدیریت مالیات و نیز دستیابی به اهداف شرکت می‌شود.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که رابطه‌ی معنی‌داری بین دانش مالی هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد. با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که ضریب دانش مالی هیأت مدیره منفی بوده و از لحاظ آماری معنی دار است ($P=0,044$). با توجه به این نتیجه مشخص می‌گردد که دانش مالی هیأت مدیره یکی از عوامل اصلی موثر بر استراتژی مالیاتی جسورانه است. نتایج تحقیقات گذشته نشان داده است که اگر اعضای هیات مدیره دارای دانش حسابداری و مالی باشند به نحو بهتری می‌توانند بر مدیر یا مدیران نظارت داشته باشند. و یا شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند، برای بهبود وضعیت از افراد دارای دانش مالی در ترکیب هیات مدیره استفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت داشتن دانش مالی و حسابداری اعضای هیات مدیره می‌تواند در بلند مدت هم بر ارزش شرکت تأثیر بگذارد و هم باعث کاهش هزینه‌های مالی و غیر مالی گردد.

فرضیه چهارم نیز حاکی از این است که رابطه‌ی معنی‌داری بین تعداد جلسات هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد. با توجه به جدول ۳ مشخص می‌گردد که ضریب متغیر تعداد جلسات هیأت مدیره منفی بوده و از لحاظ آماری (سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنی دار نیست. ($P=0,657$) با توجه به این نتیجه مشخص می‌گردد که

جدول ۲ نتایج حاصل از مدل پژوهش و نیز نتایج حاصل از مدل کلی رگرسیون را نشان می‌دهد.

فرضیه اول مبنی بر این است که رابطه‌ی معنی‌داری بین اندازه هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد. با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌گردد که ضریب هیأت مدیره (تعداد اعضای هیأت مدیره) مثبت بوده و از لحاظ آماری (سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنی‌دار نیست ($P=0,983$). این نتیجه حاکی از آن است که اندازه هیأت مدیره یکی از فاکتورهای با اهمیت تأثیرگذار بر نرخ موثر مالیاتی (پروکسی استراتژی مالیاتی جسورانه) نیست. با توجه به نتیجه فرضیه اول، استنباط می‌شود علی‌رغم اینکه در بیشتر پژوهش‌ها نقش اندازه هیأت مدیره در استراتژی مالیاتی پررنگ است (وافیاس، ۲۰۰۰ و بیسلی، ۱۹۹۶)، به نظر می‌رسد که در تحقیق حاضر نقش هیأت مدیره در استراتژی مالیاتی جسورانه کم رنگ بوده و شاید یکی از دلایل آن واگذاری وظایف مرتبط با تصمیم‌گیری در ارتباط با مالیات به مدیریت داخلی و بخش‌های مالی منجمله مدیر مالی، حسابدار و مشاور مالی می‌باشد و در این بین هیأت مدیره فقط نقش نظارتی داشته و کمتر در مسائل مرتبط با مالیات دخالت می‌نماید.

فرضیه دوم مبنی بر این است که رابطه‌ی معنی‌داری بین استقلال هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه وجود دارد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب استقلال هیأت مدیره مثبت و از لحاظ آماری (سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنی دار است ($P=0,005$). این نتیجه بیانگر این است که استقلال هیأت مدیره از عوامل اصلی موثر بر نرخ موثر مالیاتی (پروکسی استراتژی مالیاتی جسورانه) می‌باشد. با توجه به نتیجه فرضیه دوم استنباط می‌شود که هیأت مدیره مستقل می‌تواند مدیریت مالیاتی را

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین برخی از ویژگیهای هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین برخی دیگر رابطه معناداری وجود ندارد. به طوری که ویژگیهای هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره و دانش هیأت مدیره) رابطه معناداری با استراتژی مالیاتی جسورانه دارند، و نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) و راجدی و الگاید^{۱۶} (۲۰۰۸) مشابه می‌باشد. همچنین بین ویژگیهای هیأت مدیره (اندازه هیأت مدیره و جلسات هیأت مدیره) و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش (وافیاس، ۲۰۰۰) مشابه می‌باشد. در آخر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین متغیرهای کنترل (اهرم مالی) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیر کنترل (اندازه شرکت) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد که با نتیجه پژوهش زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) مطابقت ندارد. در سایر موارد امکان مقایسه وجود ندارد. اگر چه در تحلیل و کاربست نتایج، توجه به محدودیت‌های زیر ضروریست:

۱- با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به هیأت مدیره از گزارش سالانه هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج گردیده است، یکسان نبودن شکل این گزارش برای همه شرکت‌ها، دسترسی سریع به اطلاعات را با مشکل مواجه می‌کند.

۲- متفاوت بودن برخی از اعداد و متغیرهای مالی در بانکهای اطلاعاتی مورد استفاده نیز از محدودیتهای پژوهش حاضر بود.

پس از انجام مراحل یک تحقیق علمی، اگر تحقیق در یک روند سیستماتیک و پژوهشگرانه صورت

افزایش یا کاهش تعداد جلسات بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیری ندارد. می‌توان اظهار کرد کمیت نمی‌تواند جای کیفیت را پر کند. برگزاری تعداد زیاد جلسات هیأت مدیره نه تنها اثری بر تصمیمات عمده نخواهد داشت بلکه باعث ایجاد هزینه‌هایی از قبیل هزینه‌ی حق جلسه و هزینه تشریفات خواهد شد و نهایتاً سود شرکت را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

همچنین با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌گردد که از بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی شرکت با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه مثبت دارد (۰,۰۰۰، P=). در ادبیات مالی از بدهی به عنوان یکی از سپرهای مالیاتی یاد می‌شود. این ادعا از آنجا نشأت می‌گیرد که هزینه بهره، نوعی هزینه قابل قبول مالیاتی است و شرکتی که جهت تأمین نیازهای مالی خود از بدهی استفاده می‌کند، در نهایت سود کمتر و مالیات کمتری را پرداخت خواهد نمود. با توجه به رابطه مثبت بین اهرم مالی و استراتژی مالیاتی جسورانه، این نوع رابطه با مبانی نظری در تضاد است. این نتیجه را می‌توان به ساختار بدهی شرکت ربط داد. چنانچه شرکتها در مورد سیاست بدهی خود رویه‌ای جسورانه اتخاذ کنند، با هزینه بهره کمی مواجه می‌شوند و از این رو بدهی نقش خود را به عنوان سپر مالیاتی از دست می‌دهد. همچنین بین اندازه شرکت و استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه وجود ندارد (۰,۰۸۰، P=). با توجه به نتیجه فوق‌الذکر، رابطه بین اندازه شرکت و استراتژی مالیاتی جسورانه، بیشتر متأثر از نوع سیستم اقتصادی و میزان توسعه‌یافتگی محیط فعالیت شرکت است و اندازه شرکت تأثیری بر استراتژی مالیاتی جسورانه ندارد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های

فهرست منابع

- * باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). "رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها". مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم: ص ۶۵-۸۶.
- * پورحیدری، امید و سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). "شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات" مجله دانش حسابداری، سال چهارم، شماره دوازدهم، ص ۸۹-۱۱۰.
- * حساس یگانه، یحیی و گل‌محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۰). "رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگیهای شرکتها". پژوهشنامه مالیاتی، شماره دوازدهم، ص ۲۴۰-۲۶۳.
- * عباس زاده، محمدرضا و منظرزاده، هاشم. (۱۳۹۰). "بررسی احتمال صدور گزارش مقبول حسابرسان مستقل با استفاده از خصوصیات هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، (دوره: ۱۸، ش: ۶۳): ص ۹۵-۱۱۲.
- * منصور، ندا. (۱۳۹۲). "ارزیابی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر برنامه ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجانغربی.
- * Adams, Rene B. and Daniel Ferreira, (2004). "The moderating effect of group decision making". Working Paper. Stockholm School of Economics.
- * Beasley, M.S. (1996), "An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud". The Accounting Review 71(4), 443-465.
- * Desai, M.A. & Dharmapala, D. (2006), "Corporate Tax Avoidance and High-
- گرفته باشد محقق می تواند نظراتی را هم در مورد یافته ها و نتایج تحقیق و هم راهکار ها و پیشنهادهایی را به منظور بهبود و بسط پژوهش های آتی بیان کند. بدین سبب در ادامه پیشنهادهایی مطابق با نتایج تحقیق و همچنین برای پژوهش های آتی ارائه می شود.
- ۱ - به بازار سرمایه ایران پیشنهاد می شود که تاکید بیشتری بر اهمیت ویژگی های هیأت مدیره از قبیل استقلال هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره، دانش هیأت مدیره و جلسات هیأت مدیره داشته باشد.
- ۲ - پیشنهاد می شود سرمایه گذاران در زمان سرمایه گذاری به ساختار هیأت مدیره توجه داشته باشند. چرا که ساختار هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره، دانش هیأت مدیره) می تواند در پیشبرد اهداف استراتژیک شرکت موثر باشد.
- ۳ - عوامل متعددی می تواند بر استراتژی مالیاتی شرکت ها تأثیرگذار باشد. بررسی همه این عوامل در یک پژوهش امکان پذیر نیست. پیشنهاد می شود به سایر عوامل نیز توجه گردد.
- پیشنهادات برای تحقیقات آتی نیز به شرح زیر مدنظر قرار گرفت:**
- ۱ - باتوجه به اینکه ساختار هیأت مدیره یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی می باشد، توصیه می شود در پژوهش های آتی دیگر سازوکارهای حاکمیت شرکتی از قبیل ساختار مالکیت، ساختار سرمایه، حسابرسان مستقل مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲ - پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی رابطه بین ویژگی های هیأت مدیره با قیمت سهام و پیش بینی درآمد هر سهم مورد بررسی و مشاهده قرار گیرد.
- ۳ - نمونه آماری این تحقیق شامل تمام صنایع بوده است، پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده این تحقیق به تفکیک انواع صنعت انجام شود

- Effectiveness". *Organizational Dynamics*, 30(4):301-324.
- * Lisowsky, P., Robinson, L. & Schmidt, A. (2010). "An examination of FIN 48: tax shelters, auditor independence, and corporate governance". Working Paper, University of Illinois.
 - * Manzon, G. & Plesko, G. (2002). "The Relation Between Financial and Tax Reporting Measures of Income". *Tax Law Review* 55(2), 175-214.
 - * Porcano, T. (1986). "Corporate Tax Rates: Progressive, proportional or regressive". *Journal of American Taxation Association*, 7 (2), 17-31.
 - * Rachdi, H and Elgaied, M. (2008). "Composition, Structure of Board of Directors and Performance: The Case of American Firms". Available at SSRN: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1209442.
 - * Rego, S. (2003). "Tax-Avoidance activities of U.S. multinational Corporations". *Contemporary Accounting Research* , 20, 805-833.
 - * Sabli, Nurshamimi & Md. Noor, R. (2012). "tax planning and corporate governance". 3rd International Conference on business and economic research (3rd ICBER 2012) Proceeding.
 - * Sartori, Nicola. (2009). "Corporate Governance Dynamics and Tax Compliance". *International Trade and Business Law Review*, U of Michigan Law & Economics, SJD Working Paper No. 1361895. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1361895>.
 - * Shevlin, T. (1990). "Estimating corporate marginal tax rates with asymmetric tax treatment of gains and losses". *Journal of the American taxation*, 11, 1-67.
 - * Stickney, C. & McGee V. (1982). "Effective Corporate Tax Rates, the Effect of Size, Capital Intensity, Leverage and Other Factors". *Journal of Accounting and Public Policy*, 1 (2), 125-152.
 - * Tsui, J., Jaggi, B., Gul, F. (2001). "CEO Domination, Growth Opportunities and their. Impact on Audit Fees, *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 16(3)
 - * Vafeas, N. (1999), Board meeting frequency and firm performance, *Journal of Financial Economics*, 53: 113-142.
 - * Vafeas, N. (2000). "Board Structure and the Informativeness of Earnings". *Journal of Accounting and Public Policy*, 19 (2) , 139-160.
 - * "powered Incentives". *Journal of Financial Economics* 79(1), Elsevier, 145-179.
 - * Dyreng, S., Hanlon M. & Maydew E. (2010). "The effects of executives on corporate tax avoidance". *The Accounting Review*, 85 (4), 1163-1189.
 - * Erickson, J., Park, Y.W., Reising, J. and Shin, H. H. (2005). "Board composition and firm value under concentrated ownership: The Canadian evidence". *Pacific-Basin Finance Journal*, 13: 387-410. 25.
 - * Fama, E. F. and Jensen, M. C. (1983). "Separation of ownership and control". *Journal of Law and Economics*, Vol. 26. 327-349.
 - * Goodstein, J., Gautam, K. and Boeker, W. (1994). "The effect of board size and diversity on strategic change". *Strategic Management Journal*, Vol. 15, 241-50.
 - * Graham, John R, and Allen Tucker (2006). "Tax Shelters and Corporate Debt Policy, *Journal of Financial Economics*, forthcoming.
 - * Green, S. (2005). "Sarbanes Oxley and the Board of Directors. " John Wiley & Sons, Inc, Hoboken. New Jersey.
 - * Hanlon, M. & Shevlin, T. (2002), "The Tax Benefits of Employee Stock Options: The Accounting and Implications for Research", *Accounting Horizons* 16(1), 1-16.
 - * Jensen, M. (1993), "The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Control Systems", *Journal of Finance* 48(3), Wiley, 831-881.
 - * Kaplan, S. and B. Minton. (1994). "Appointment of outsiders to Japanese boards: Determinants and implications for managers". *Journal of Financial Economics*, 36: 225-57.
 - * Khaoula, A. & Mohamed Ali, Z. (2012). "The board of directors and the corporate tax planning: Empirical Evidence from Tunisia. *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, Vol. 2, No. 2. 142-157.
 - * Khurana, I.K. & William, J.M. (2012), "Institutional Shareholders' Investment Horizons and Corporate Tax Avoidance". *The Journal of the American Taxation Association*, In-Press.
 - * Lanis, R. & Richardson, G. (2011), "The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness". *Journal of Accounting and Public Policy* 30(1), Elsevier, 50-70.
 - * Lawler E., Finegold, D., Benson, G., Conger, J. (2002). "Corporate Boards: Keys

- * Wilson, R. (2009). "An examination of corporate tax shelter participants". *The accounting Review*, 84, 969-999.
- * Yermack, D. (1996), "Higher Market Valuation of Companies with a Small Board of Directors". *Journal of Financial Economics* 40(2), Elsevier, 85-211.
- * Zemzem, A and Ftouhi, K.(2013). "The Effects of Board of Directors' Characteristics on Tax Aggressiveness". *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol.4, No.4.pp 140-147.
- * Zimmerman, J. (1983). "Taxes and Firm Size". *Journal of Accounting and Economics* 5 (1): 119-149.

یادداشت‌ها

- ¹. Tax Aggressiveness
- ². tax planning
- ³. Stickney & McGee
- ⁴. Zimmerman
- ⁵. Porcano
- ⁶. Shevlin
- ⁷. Rego
- ⁸. Graham & Tucker
- ⁹. Wilson
- ¹⁰. Lisowsky
- ¹¹. Dyreng et al
- ¹². Khaoula & Mohamed Ali
- ¹³. Zemzem & Ftouhi
- ¹⁴. Khurana & William
- ¹⁵. Sartori
- ¹⁶. Rachdi & Elgaied